



سه درس از سیره امام موسی کاظم علیه السلام سخنی از حضرت آیت الله جوادی آملی

حضرت آیت الله جوادی آملی سه درس از سیره امام موسی کاظم علیه السلام را بیان داشته اند که به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام موسی بن جعفر سخنان این مرجع تقلید شیعیان را در ادامه می خوانید:

شفقتنا- حضرت آیت الله جوادی آملی سه درس از سیره امام موسی کاظم علیه السلام را بیان داشته اند که به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام موسی بن جعفر سخنان این مرجع تقلید شیعیان را در ادامه می خوانید:

(۱) معنای جواد در کلام نورانی امام کاظم (علیه السلام)

از بیان نورانی حضرت ابی ابراهیم امام کاظم (سلام الله علیه) است که مرحوم صدوق در کتاب شریف توحید از وجود مبارک آن حضرت روایت می کند که وقتی از ایشان سؤال شد جواد یعنی چه؟ آن حضرت فرمودند: اگر منظورتان از جواد در جهان امکانی است، مثلاً انسانِ جواد کیست؟ آن کسی که حقوق واجب را آدا بکند او جواد است «هو الجواد»، اما اگر منظورتان درباره ذات اقدس الهی است که از اسمای فعلیه خدا این است که او جواد است «فهو الجواد إن أعطی و هو الجواد إن مَنَع» اگر بدهد جود است و اگر ندهد هم جود است زیرا آنجا هم که نمی دهد مصلحت و حکمت است و یک آزمون الهی است. (درس تفسیر، ۷/۸/۹۲)

(۲) تشبیهی زیبا از امام کاظم (علیه السلام)

از امام کاظم (علیه السلام) سؤال شد فرشتگان اعمال ما را که می نویسند آیا خاطرات و نیتهایی را که فقط از دل گذرانده ایم و هنوز به لباس عمل در نیاوردیم هم می نویسند؟ حضرت فرمودند: آیا بوی باغ و بوستان و بوی کثافت و گنداب یکی است؟ اگر از کنار باغی پر از گل و معطر بگذرید، بوی خوب احساس می کنید و چنانچه بوی بد به مشام انسان برسد، می فهمد که اینجا کثافت و زباله است. از بو می توان فهمید که از کنار باغ می گذریم یا از کنار چاه. (کتاب حکمت عبادات، ص ۷۸)

(۳) قرآن عامل صعود بهشتیان

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) به مردی فرمودند: «أحبّ البقاء فی الدنیا»؛ آیا بقای در دنیا را دوست داری؟ آن شخص که از تربیت شدگان مکتب امامت بود، عرض کرد: آری. حضرت پرسیدند: چرا؟ عرض کرد: برای آن که به قرائت سوره محبوب خود، «قل هو الله أحد»؛ بپردازم. امام کاظم (علیه السلام) پس از لحظه ای سکوت فرمودند: «یا حفص! من مات من أولیائنا و شیعتنا و لم یحسن القرآن عَظْم فی قبره لیرفع الله به من درخته فإن درجات الجنة علی قدر آیات القرآن یقال له: اقرأ و ارق. فیقرأ ثم یرقی»؛ اگر از شیعیان ما، کسی قرآن را به خوبی فرا نگرفته باشد (چون به حقیقت آن ایمان دارد) در جهان برزخ، قرآن به او تعلیم داده می شود تا خدای سبحان با معرفت قرآن بر درجات او بیفزاید؛ زیرا درجات قرآن به اندازه آیات قرآن است. به قاری گفته می شود: بخوان و بالا برو. او نیز می خواند و بالا می رود.

در جهان برزخ زمینه ای برای تکامل عملی نیست، تا انسان با انجام کاری واجب یا مستحب به کمال برتر عملی برسد، ولی راه تکامل علمی باز است؛ نظیر آنچه در رؤیا برای روح معلوم می شود و برای آگاهی به آن حرکت فراگیری از قبیل کوششهای بدنی در زمان بیداری راه ندارد و بسیاری از علوم و معارف دین در آنجا برای انسانها روشن و مشهود خواهد شد و چون عدد درجات بهشت به عدد آیات نورانی قرآن کریم است، برای ترفیع درجات شیعیان، ابتدا از تعلیم قرآن بهره مند خواهند شد و سپس با فرمان «اقرأ و ارق»؛ می خوانند و در درجات بهشت صعود می کنند. صعود در درجات بهشت پاداش قرائت در عالم آخرت نیست؛ زیرا در عالم برزخ، تکلیف و عمل مکلفانه که جزا را به همراه داشته باشد نیست، بلکه صعود بهشتیان در درجات بهشت، همان ظهور انس با قرآن در دنیا است. حفص می گوید: «فما رأیت أحداً أشدَّ خوفاً علی نفسه من موسی بن جعفر - علیه السلام - و لا ارجأ الناس منه و کانت قرائته حزناً فإذا قرء فکانه یخاطب انساناً» (جامع احادیث شیعه، ج ۱۵، ص ۱۵)؛ در خوف و رجا کسی را مانند موسی بن جعفر - علیه السلام - نیافتم و قرائت او با حزن آمیخته بود هنگامی که قرآن را قرائت می کرد گویا با کسی سخن می گفت و این ویژگی تلاوت با تدبّر و تفکر است که قاری متدبّر خود را گاهی «مخاطب» و گاهی «مخاطب» خداوند می یابد. (تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۴۴).